

The Impact of Globalization on Inflation with Emphasis on Non-Oil Exports¹

Abbas Azadi², Ali Abbasi³

Received: 2024/07/08

Accepted: 2025/03/07

Abstract

The unprecedented rise in inflation has become a major challenge with a destructive impact on various social dimensions, making it one of the key issues in economic policymaking in every country. The factors affecting inflation have consistently attracted the attention of policymakers and researchers due to their significant impact on society. Given that Iran has experienced high double-digit inflation over several decades, examining this index is of great importance. Therefore, the aim of this study is to investigate the impact of globalization on inflation, with an emphasis on exports to high-income countries in Iran during the period 1372-1400 (1993-2021). The results obtained from the Fully Modified Ordinary Least Squares (FMOLS) regression model indicate a significant negative relationship between globalization and inflation. Additionally, the variable of exports to high-income countries shows a significant negative correlation with inflation, while the growth rate of exchange rates, monetary base, and government debt has a significant positive effect on inflation. Consequently, policymakers must adopt more stringent monetary and fiscal discipline, base their strategies on scientific planning, and make more decisive efforts to alleviate sanctions and establish an open economy to facilitate trade exchanges and ultimately reduce inflation.

Keywords: Inflation, Globalization, Non-oil Exports, Exchange Rate, Fully Modified Ordinary Least Squares.

JEL Classification: E, B22, E31, F31, O5, P33.

1. doi: 10.22051/ieda.2025.47697.1425

2. Assistant Professor, Department of Economics, Ilam University, Ilam, Iran. Corresponding Author. (a.azadi@ilam.ac.ir).

3. M.Sc. Department of Economics, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. (ali.abbaasi1377@gmail.com).

مقاله پژوهشی

تأثیر جهانی شدن بر تورم با تأکید بر صادرات به کشورهای پردرآمد در ایران^۱

عباس آزادی^۲ و علی عباسی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

چکیده

افزایش نامتعارف تورم به‌عنوان یک چالش اساسی، دارای نقش مخرب در ابعاد چندگانه اجتماعی است که تمرکز بر آن یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست‌گذاری اقتصادی در هر کشور است. عوامل مؤثر بر تورم با توجه به درجه اهمیت آن‌ها در جامعه، به‌طور مداوم مورد توجه سیاست‌گذاران و محققان بوده است. لذا با توجه به اینکه ایران دارای تورم‌های دو رقمی سطح بالا طی چندین دهه گذشته بوده، بررسی این شاخص از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا هدف پژوهش حاضر تأثیر جهانی شدن بر تورم با تأکید بر صادرات به کشورهای پردرآمد برای ایران در طی دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۲ بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از مدل رگرسیونی حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل‌شده، حاکی از آن بوده که رابطه منفی و معناداری بین متغیر جهانی شدن و تورم وجود داشته است. همچنین متغیر صادرات به کشورهای پردرآمد دارای ارتباط منفی و معنادار با تورم بوده و افزایش نرخ ارز، پایه پولی و بدهی دولت تأثیر مثبت و معناداری بر تورم داشته‌اند. لذا می‌تواند سیاست‌گذاران با برقراری انضباط بیشتر پولی و مالی، برنامه‌ریزی‌های دقیق مبتنی بر علم داشته باشند و همچنین با جدیت بیشتری در جهت رفع تحریم‌ها و شکل‌گیری اقتصاد باز جهت تسهیل مبادلات تجاری و نهایتاً کاهش تورم حرکت کنند.

واژگان کلیدی: تورم، جهانی شدن، صادرات به کشورهای پردرآمد، نرخ ارز، حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل‌شده.

طبقه‌بندی موضوعی: E, B22, E31, F31, O5, P33

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/ieda.2025.47697.1425

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. نویسنده مسئول.

Email:a.azadi@ilam.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

Email:ali.abbaasi1377@gmail.com

مقدمه

تورم دو رقمی و پایدار یکی از ابرچالش‌های اقتصادی کشور در طول دهه‌های اخیر بوده است که زندگی و معیشت مردم را برای سال‌های زیادی به شدت تحت تأثیر منفی قرار داده است. در تبیین چرایی و چگونگی بروز این مسئله مزمن اقتصادی تا به حال دیدگاه‌ها و نظریات گوناگونی ارائه شده که به تبع آن مواضع مختلفی نیز توسط سیاست‌گذاران پولی کشور ارائه شده است. گرچه تاریخچه شناسایی منشأ و درمان تورم‌های پایدار در جهان به بیش از سه دهه در جهان بازمی‌گردد اما به نظر می‌رسد در خصوص ریشه‌های تورم‌های خزنده و مستمر در کشور و راهکارهای علاج آن، حداقل در بین سیاست‌گذاران، اجماعی وجود ندارد و به این دلیل است که تورم همچنان به‌عنوان یک معضل اساسی حل‌نشده باقی مانده است. از این رو شناخت عوامل مؤثر بر تورم ضمن اهمیت نقش اجتماعی و حتی سیاسی آن، زمینه‌های مهمی برای ثبات اقتصادی، رشد و توسعه پایدار ایجاد می‌کند. در این راستا سال‌های گذشته اقتصاددانان به آثار جهانی شدن بر جنبه‌های گوناگون زندگی اقتصادی توجه زیادی کرده‌اند. از جمله یکی از تأثیراتی که جهانی شدن ممکن است بر اقتصاد کشورها داشته باشد اثر آن بر تورم است.

رشد جهانی شدن در طول دهه ۱۹۹۰ منجر به یک تغییر چشمگیر در تولید، تجارت و همچنین بازارهای مالی در سراسر جهان داشت؛ بنابراین با افزایش فراوانی قراردادهای دوجانبه و چندجانبه بین کشورها در حوزه‌های مذکور، تحرک کالا و سرمایه نیز افزایش یافته است که با تحکیم روابط با سایر کشورها از طریق انجام قراردادهای بین‌المللی و معاملات تجاری، کشورها نه تنها به سایر کشورها بلکه به رویادهای جهانی نیز وابسته شده‌اند. با توجه به سطوح بالای وابستگی ناشی از جهانی‌سازی، تا حدودی تصمیم‌گیری‌های مستقل اقتصاد داخلی امکان‌پذیر نبوده است، زیرا تحولات در زمینه اقتصاد جهانی مانع از این استقلال شده است. این عدم خودمختاری به سیاست‌های تورمی دولت‌ها نیز کشیده می‌شود (بایر و اورک^۱، ۲۰۲۳). از سوی دیگر تقریباً تمام کشورها، خواسته و یا ناخواسته درگیر فرایند جهانی شدن شده‌اند. با روند رشد جهانی شدن، مرزهای میان کشورها کم‌رنگ‌تر شده که این خود باعث وابستگی متقابل و درهم‌تنیدگی کشورها در سراسر جهان می‌شود و این فرایند می‌تواند مخاطرات و یا منافع را به سهولت از یک کشور به کشورهای دیگر انتقال دهد (میرنظامی و شاه آبادی، ۱۳۹۹). فرآیند جهانی شدن با به وجود آوردن شرایط رقابتی برای تولیدکنندگان، افزایش بهره‌وری و سپس کم شدن فشارهای دستمزد به‌ویژه برای کشورهای صنعتی می‌تواند بر قیمت‌های داخلی اثرات زیادی بر جای بگذارد که به تبع آن تجارت و خالص صادرات کشور از این موضوع تأثیر خواهد پذیرفت. با عنایت به این موضوع، یکی از ارکان اصلی جهانی شدن تجارت است به طوری که بسیاری از پژوهشگران به این موضوع معتقد هستند که تجارت به‌ویژه صادرات، در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش بااهمیتی را به جا می‌گذارد و به همین علت آن را به مثابه موتور رشد و توسعه اقتصاد داخلی در نظر می‌گیرند و به دنبال به دست آوردن بارزش‌ترین نقش آن در نظام تجاری هستند (طیبی و مصری نژاد، ۱۳۸۱). با توجه به اینکه برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور

تأکید بر صادرات به‌ویژه صادرات غیرنفتی و تک‌محصولی نبودن صادرات دارند، لذا توجه به این مسئله و نحوه اثرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی از جمله تورم نباید نادیده گرفته شود و از آنجایی که ایران در سال‌های اخیر تورم‌های بالایی را تجربه کرده است، پرداختن به عوامل اثرگذار بر تورم به‌عنوان یک چالش اساسی در اقتصاد ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. تاکنون مطالعاتی درباره عوامل متعدد تعیین‌کننده تورم در دنیا توسط افرادی همچون گائو و همکاران^۱ (۲۰۲۴)، بایر و اورک (۲۰۲۳)، رامالاری و مرکو^۲ (۲۰۲۳)، ریدوان^۳ (۲۰۲۲)، اور و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، البوسوی و اوگبونا^۵ (۲۰۱۴)، قوش^۶ (۲۰۱۴)، ادوسی^۷ (۲۰۱۳) و ... انجام شده است و در ایران توسط افرادی همچون آسایش و همکاران (۱۴۰۲)، محمد اسماعیل و همکاران (۱۴۰۱)، عظیم زاده و همکاران (۱۴۰۱)، سهیلی و همکاران (۱۳۹۱)، مهرآرا و قبادزاده (۱۳۹۵)، صادقی و همکاران (۱۳۸۹) و حسینی یزدی و همکاران (۱۳۸۴)، بررسی این چالش مورد مطالعه قرار گرفته است که بر عوامل متعددی تأکید و تمرکز شده که بررسی هریک از آن‌ها به نوبه خود مسیر تورم را نشان داده که این عوامل می‌توانند تأثیر مثبت و یا منفی بر تورم را در جای خود توضیح دهند. از این‌رو بنا به اهمیت موضوع و نیاز کشور ایران با توجه به تورم‌های مزمن بلندمدت و با توجه به آن‌که تاکنون در میان مطالعات داخلی و خارجی، جهانی شدن و صادرات به کشورهای بالا در کنار متغیرهای دیگر تحقیقات حاضر به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر تورم، مورد توجه قرار نگرفته است، لذا در چارچوب این پژوهش به بررسی تأثیر جهانی شدن بر تورم با تأکید بر صادرات به کشورهای بالا در ایران از سال ۱۳۷۲ الی ۱۴۰۰ پرداخته شده است. پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا متغیرهای مستقل جهانی شدن و صادرات به کشورهای بالا به‌عنوان متغیرهای اصلی و نرخ ارز، پایه پولی و بدهی دولت به‌عنوان متغیرهای کنترلی طی دوره مورد بررسی بر تورم تأثیرگذار هستند یا خیر.

در ادامه ابتدا به ادبیات نظری مرتبط با تورم و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده و چگونگی تأثیر سازوکار جهانی شدن و صادرات به کشورهای پردرآمد بر تورم تشریح گردیده است. سپس پیشینه مطالعات تجربی مرتبط با موضوع مورد بررسی مرور شده و بعد از آن، روش تحقیق و متغیرهای لحاظ‌شده در آن معرفی و در مراحل بعد روش تخمین مدل پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در آخر به بررسی نتایج به دست آمده پرداخته شده و چند توصیه سیاستی پیشنهاد شده است.

مبانی نظری

تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در دوره زمانی مورد نظر است. در تعریف تورم نکته حائز اهمیت آن است که به دو عامل زمان و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دقت شود. به این معنا که

1. Gao *et al.*
2. Ramallari & Merko
3. Ridwan
4. Auer *et al.*
5. Olubusoye & Ogbonna
6. Ghosh
7. Adusei

قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشند. اگر قیمت‌ها در یک دوره خاص افزایش یابد و سپس این روند روبه رشد قطع شود به این چرخه تورم گفته نمی‌شود؛ بنابراین در تعریف تورم باید افزایش سطح عمومی قیمت‌ها مداوم باشد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷).

شکل‌گیری و فهم تورم در ادبیات نظری از اهمیت زیادی برخوردار است که در ادامه به صورت مختصر این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد.

نظریه مقداری پول: از دیدگاه پول‌گرایان، تورم در بلندمدت یک پدیده پولی تلقی می‌شود. این مکتب بر این باور است که عرضه اسمی پول به طور مستقیم به افزایش تورم منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر اگر نرخ رشد عرضه اسمی پول بیشتر باشد، نرخ تورم افزایش خواهد یافت (مهرآرا و قبادزاده، ۱۳۹۵).

تورم ناشی از تقاضا: تورم ناشی از تقاضا هنگامی به وجود می‌آید که تقاضا برای یک کالایی افزایش یابد و مقدار عرضه ثابت بماند. در این شرایط مصرف‌کنندگان حاضرند قیمت بالاتری را پرداخت نمایند. به صورت کلی منبع در این تقاضا رشد نقدینگی است (سامانی پور و همکاران، ۱۳۹۵).

تورم ساختاری: تورم ساختاری بدین معناست که به دلیل وضعیت مربوط به ساختار اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و ... تورم در جامعه رشد داشته و تداوم یابد. این نوع تورم ناشی از سه عامل ساختاری است که شامل عوامل زیر است: (۱) قدرت قیمت‌گذاری دلخواه (۲) تضاد توزیعی و (۳) شاخص بندی. از دیگر عواملی که باعث بروز تورم ساختاری می‌شوند می‌توان به متغیرهای کسری بودجه دولت، وابستگی بخش‌های اقتصادی به درآمدهای نفتی، نارسایی در سامانه حمل‌ونقل کشوری و مشکلات ارزی اشاره کرد که این عوامل باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند (اوگونوا^۱، ۲۰۱۴).

تأثیر جهانی شدن بر تورم: بنگاه‌های داخلی با قرار گرفتن در معرض تشدید رقابت بین‌المللی، اقدامات اجباری متعددی از جمله سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مدرن و فرایندهای ساخت، گسترش خطوط تولید به سایر کشورها و در نهایت اتخاذ تکنیک‌های تخصصی با هدف کاهش هزینه‌های تولید و افزایش تاب‌آوری و رقابت‌پذیری انجام می‌دهند که در نهایت بخش عمده این رقابت از طریق افزایش بهره‌وری داخلی شکل می‌گیرد. لذا این موضوع غیر قابل انکار است که افزایش بهره‌وری بر تورم تأثیر مفیدی خواهد داشت (مانوپیموک^۲، ۲۰۱۸). البته تأثیر جهانی شدن بر تورم بسته به درجات رشد اقتصادی، باز بودن، سیاست‌های پولی و سیستم‌های تولید کشورهای مختلف یکسان نیست. در کشورهای توسعه‌یافته افزایش باز بودن یا بر تورم تأثیر نمی‌گذارد یا آن را کاهش می‌دهد. باز بودن تأثیر روبه رشدی بر تورم در اقتصادهای در حال توسعه دارد که اغلب به واردات محصولات واسطه‌ای برای تولید متکی هستند (اکسوز یلماز^۳، ۲۰۲۴).

تأثیر صادرات به کشورهای پردرآمد بر تورم: از آنجایی که جهانی شدن همواره با گسترده‌تر شدن مرزهای تجارت همراه بوده است، بنابراین می‌توان بیان داشت صادرات نیز می‌تواند تأثیراتی بر تورم داشته باشد. می‌توان گفت هرچه کشور در فرایند جهانی شدن قرار بگیرد افزایش صادرات (غیرنفتی) رشد می‌کند

1. Ogbonna
2. Manopimoke
3. Aksoz Yilmaz

که لازمه آن افزایش کیفیت کالاها و توان رقابتی و کاهش رانت‌ها باید باشد. به بیان دیگر جهانی شدن سبب افزایش صادرات (غیرنفتی) و از طریق آن سبب افزایش توان رقابتی شده که این خود منجر به دور شدن از چسبندگی قیمت‌ها و منعطف‌تر شدن قیمت‌ها خواهد شد که نتایج آن‌ها کاهش تورم خواهد بود (تیلور و وودفورد^۱، ۱۹۹۹). با این تفاسیر تأثیر صادرات به کشورهای پردرآمد بر تورم چندوجهی است و نشان از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر اقتصاد داخلی دارد، مثلاً افزایش بهره‌وری شرایط رشد و افزایش تولید و صادرات را رقم می‌زند که این خود فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد می‌کند و بر نرخ تورم اثر خواهد گذاشت که این کاهش قیمت‌ها شرایط صادرات به کشورهای پردرآمد را آسان می‌کند؛ لذا تورم از طریق سازوکارهای بهره‌وری و قیمت‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌گیرد که البته تأثیر کلی آن بستگی به ماهیت صادرات و زمینه‌های اقتصادی دارد.

تأثیر نرخ ارز بر تورم: تحلیل رابطه بین نرخ ارز و تورم بر تغییرات شاخص‌های کلان اقتصادی ناشی از بی‌ثباتی بازارهای داخلی و خارجی متمرکز است. به این معنی که هرگونه شوک منفی در اقتصاد کشور مقابل، اثرات منفی بر شاخص‌های اقتصادی داخلی در اقتصاد باز، می‌گذارد. نرخ ارز که یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد کلان است، نشان‌دهنده تغییرات در عوامل اقتصاد خارجی است؛ درحالی‌که تورم نشان‌دهنده وضعیت اقتصاد داخلی است؛ بنابراین هرگونه تغییر در نرخ ارز از کانال‌های مختلف بر سطح قیمت‌های داخلی تأثیر می‌گذارد. مقام پولی که هدف اصلی آن حفظ ثبات قیمت است، بر نوسانات نرخ ارز تمرکز کرده و به‌عنوان یکی دیگر از عوامل اصلی مؤثر بر تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت، برای محدود کردن نوسانات نرخ ارز اقدام می‌کند. در این شرایط، در صورت کاهش نرخ سود بانکی می‌توان تصور کرد که تکانه‌های نرخ ارز به‌ویژه در کوتاه‌مدت فشار جدی بر قیمت‌های داخلی وارد می‌کند. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز ممکن است با افزایش انتظارات تورمی و تقاضای دستمزد بر تورم تأثیر بگذارد (آلتونوز^۲، ۲۰۲۰).

تأثیر بدهی دولت بر تورم: افزایش بدهی‌های دولت از طرق مختلف باید تسویه و تعادل بودجه‌ای برقرار شود. با این هدف دولت‌ها با افزایش مالیات‌ها با واکنش‌های متفاوت طرف عرضه و تقاضا، افزایش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت‌ها مواجه خواهند شد. زمانی که شرایط افزایش مالیات‌ها برقرار نباشد، دولت‌ها با فشار بر بانک مرکزی از طریق چاپ پول و به اصطلاح پولی کردن کسری بودجه شرایط افزایش پایه پولی و نقدینگی را شکل می‌دهند که در عرضه ثابت، افزایش قیمت‌ها رخ خواهد داد. در حالتی دیگر که دولت درصدد کاهش بدهی‌های خود و پرداخت آن‌ها باشد، در جهت افزایش نقدینگی خود اقدام به فروش اوراق قرضه با سود بالا خواهد نمود که این امر باعث تضعیف بخش خصوصی و خارج کردن آن‌ها از بازار می‌شود که تولید کاهش و مازاد تقاضا و درنهایت افزایش قیمت‌ها شکل می‌گیرد؛ هرچند در سررسید بازپرداخت اوراق اگر کماکان دولت توان پرداخت و خرید اوراق خود را نداشته باشد، باز از مسیرهای گفته‌شده هزینه‌بردار به ضرر تورم باید اقدام نماید.

1. Taylor & Woodford
2. Altunöz



مبانی نظری پژوهش حاضر، دارای بالاترین بهره‌گیری از فهم «تورم ساختاری» است که متغیرهای بدهی دولت، پایه پولی، صادرات، تغییرات نرخ ارز و جهانی شدن به عنوان سیاست‌های اقتصادی بر گرفته از ساختار اقتصادی کشور شناخته می‌شوند که افزایش تورم را به دنبال دارد.

پیشینه پژوهش

آسایش و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی برای ایران در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۶۰ با استفاده از مدل خود رگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) و مدل تصحیح خطا (ECM) انجام دادند که ضمن آنکه تأثیر مثبت کووید ۱۹ بر تورم مورد تأیید قرار گرفت، نشان دادند که متغیرهای نقدینگی و نرخ ارز واقعی دارای تأثیر مثبت بر رشد تورم بوده و مخارج آموزشی دولت و درآمد سرانه باعث کاهش تورم شده است.

عظیم زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود که برای ایران در دوره زمانی ۱۳۶۹-۱۳۹۹ و با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل ARDL انجام دادند، به این نتیجه برای ضریب بلندمدت دست یافتند که متغیر نقدینگی بر نرخ تورم انتظاری دارای اثر مثبت و معناداری است و بر اساس ضرایب کوتاه‌مدت، به ترتیب تورم انتظاری و تورم با یک وقفه، نقدینگی، تولید ناخالص داخلی، بودجه دولت و نرخ بیکاری دارای تأثیر معنادار بر تورم بوده‌اند.

دلیری (۱۳۹۹) در پژوهش خود برای دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۸۰ با استفاده از رگرسیون‌های داده‌های تابلویی چندکی، تورم را مورد بررسی قرار داد. نتیجه مطالعه نشان داد که در بیشتر مواقع با بازتر شدن تجارت، نرخ تورم کاهش خواهد یافت ولی این اثر رابطه نزدیکی با اندازه تورم و ساختار گروه‌های موردنظر دارد؛ به طوری که باز شدن تجاری در کشورهای جنوب شرق آسیا و اقیانوسیه تأثیر کمتر ولی در کشورهای خاورمیانه بیشترین اثر را بر تورم برجای گذاشته است.

مهرآرا و قبادزاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای برای ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۵۳ با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی (BMA)^۱ و میانگین‌گیری حداقل مربعات (WALS)^۲ به بررسی اثرگذاری ۱۰ متغیر توضیحی بر تورم پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از این بود که متغیر رشد شاخص قیمت کالاهای وارداتی با احتمال ۱۰۰ درصد اثر مثبت و قطعی بر تورم در اقتصاد ایران دارد. در رتبه‌بندی متغیرها به ترتیب متغیرهای رشد شاخص قیمت کالاهای وارداتی، وقفه رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی، رتبه‌های یک تا سه را به خود اختصاص دادند.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود برای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۳ در ایران با استفاده از روش هم‌انباشتگی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)^۳، به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر تورم بودند. نتایج ناشی از تخمین مدل حاکی از آن بوده که متغیرهای شاخص قیمت کالاهای وارداتی، حجم

1. Bayesian Model Averaging
2. Weighted Average Least Squares
3. Autoregressive Distributed Lag Model



نقدینگی و سپس نرخ بهره حقیقی از متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ تورم اقتصاد ایران بوده و ارتباط منفی و معناداری بین تورم و اندازه دولت در اقتصاد ایران وجود دارد.

حسینی یزدی و همکاران (۱۳۸۴) در مقاله خود طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۳۸ شرایط تورمی ایران را بررسی کردند. روش تحقیق آن‌ها تحلیلی و توصیفی بوده و در طول آن اثر عوامل پولی از طریق متغیرهای مدل با روش خود رگرسیون برداری (VAR) و با آزمون همگرایی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که نقدینگی در توضیح تغییرات سطح تورم از اهمیت بالاتری نسبت به متغیرهای دیگر برخوردار بوده است. به شکلی که در پنجمین دوره مورد بررسی ۲۳/۱۸ درصد از تغییرات سطح تورم به وسیله نقدینگی، ۷۶/۱ درصد به وسیله نرخ ارز و ۰/۱۲ به وسیله درآمد اشخاص توضیح داده شد. به عبارت دیگر تورم در ایران نتیجه تقاضای مؤثر بالا بوده است.

گائو و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود در طی بازه زمانی ۲۰۱۹-۱۹۹۶ برای ۱۵ اقتصاد نوظهور با استفاده از مدل رگرسیون انتقال هموار و منحنی فیلیپس به این نتایج دست یافتند که میانگین وزنی تجاری شکاف تولید داخلی بر روند تورم در مقایسه با سایر متغیرها مانند باز بودن تجارت، قیمت‌های وارداتی، نرخ ارز واقعی و قیمت‌های بین‌المللی نفت تأثیری ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد هنگامی که روند گسترش اقتصاد شرکای تجاری افزایش می‌یابد، روند پویایی تورم در دو اقتصاد (برزیل و چین) تغییر می‌کند.

ویبو و ستیواتی^۱ (۲۰۲۳) در مقاله خود برای کشور اندونزی در بازه زمانی ۱۹۹۲-۲۰۲۲ با استفاده از داده‌های سری زمانی و مدل EG-ECM^۲ به این نتیجه رسیدند که متغیرهای مورد بررسی دارای تأثیر معنادار بر تورم بوده‌اند و متغیر نرخ ارز و سود بانکی اثر مثبتی بر تورم داشته‌اند.

ریدوان (۲۰۲۲) در پژوهش خود با استفاده از تحقیق کمی و تحلیل رگرسیون به این نتیجه رسید که تورم یک پدیده بلند است که به آرامی رخ می‌دهد و عوامل مالی و اقتصادی ابزارهای مهمی هستند که بر تورم تأثیر می‌گذارند.

ایزدخواست و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود برای کشورهای صادرکننده نفت در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۲۲ تأثیر عوامل مختلف بر تورم را با استفاده از مدل گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) برآورد کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که متغیرهای نقدینگی، تأخیر تورم، تفاوت رشد تولید ناخالص داخلی از رشد نقدینگی، باز بودن اقتصاد و مخارج مصرفی دولت اثر مثبت بر تورم و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، انگیزه‌های اقتصادی، رژیم نهادی، پژوهش، سرمایه انسانی و پیچیدگی بازار اثر منفی بر تورم دارند. یانشا^۳ (۲۰۲۲) در پژوهش خود در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۲ با استفاده از آزمون تصحیح خطای مدل انگل گرنجر برای آگاهی از تأثیر متغیرهایی عرضه و تقاضای ارز، نرخ بهره و نرخ مبادله بر نرخ تورم به این نتیجه رسید که عرضه پول تأثیر مثبت و ناچیزی بر تورم دارد.

1. Wibowo & Setyowati
2. Engle-Granger Error Correction Model
3. Yanescha



محمد اسماعیل و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود که طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۰ برای ۴۷ کشور در حال توسعه انجام دادند، با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری پنل (PanelSVAR^۱) و خودرگرسیون برداری با پارامترهای متغیر در طول زمان (PanelTVPVAR^۲) به این نتیجه رسیدند که شوک‌های مثبت نرخ ارز تأثیر منفی و شوک‌های منفی نرخ ارز تأثیر مثبت بر تورم دارد. همچنین افزایش تولید و درجه باز بودن اقتصاد منجر به کاهش تورم و اندازه دولت و عرضه پول تأثیر افزایشی بر تورم دارند.

محمودی (۱۳۹۸) در پژوهشی برای کشورهای در حال توسعه آسیایی در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۴ با استفاده از روش اثرات تصادفی به این نتیجه دست یافت که ارتباط معکوس و معناداری میان جهانی شدن اقتصاد و تورم وجود دارد؛ به این معنی که یک واحد افزایش در درجه جهانی شدن اقتصاد، تورم را به میزان ۰/۳۹ واحد کاهش می‌دهد.

قوش (۲۰۱۴) مطالعه‌ای با هدف بررسی تورم در ۱۳۷ کشور در طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۹ انجام داد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که درجه باز بودن بالای تجاری و مالی و رژیم ثابت نرخ ارز منجر به کاهش تورم خواهد شد و در کشورهایی که درجه باز بودن تجاری و مالی کمتری برخوردار بوده‌اند، تورم بیشتری مشاهده شده است.

البوسوی و اوگبونا (۲۰۱۴) در پژوهشی به مطالعه علت‌های تورم در اقتصاد نیجریه پرداختند. نتیجه پژوهش حاکی از آن بود که تولید محصولات کشاورزی، نرخ ارز، نقدینگی، نرخ بهره وام و حجم پول از متغیرهای با اهمیت و معنادار توضیحی بوده‌اند. نتیجه ناشی از گزینش بهترین مدل نشان داد که بهترین مدلی که از تشکیل متغیرهای فوق شکل گرفته، احتمال تأثیرگذاری ۲۶ درصدی دارد، یعنی اینکه این مدل ۷۴ درصد مطمئن نبوده است.

ادوسی (۲۰۱۳) در پژوهش خود با هدف بررسی تورم به این نتیجه رسید که در کوتاه‌مدت باز بودن اقتصاد افریقا، عرضه پول و مخارج دولت بر تورم اثر قابل توجهی نمی‌گذارند. در مقابل، تولید ناخالص داخلی اثر معناداری بر تورم در افریقای جنوبی دارد.

لونگانی و سواگل^۳ (۲۰۰۱) در پژوهشی در کشورهای در حال توسعه از طریق مدل VAR به این نتیجه نتیجه رسیدند که منشأ به وجود آورنده تورم در همه کشورهای در حال توسعه برابر نیست. در کشورهای آسیایی و آفریقایی در حال توسعه متغیر وقفه تورم (تورم انتظاری) علت مهم تورم عنوان شد و در کشورهای امریکای لاتین، متغیرهای پولی (افزایش حجم پول و افزایش نرخ ارز) سهم ویژه‌ای در رشد تورم داشته است.

از پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی انجام شده در ارتباط با تأثیر عوامل مختلف بر تورم این برداشت حاصل می‌شود که جهت پر کردن خلأهای این حوزه، پژوهش حاضر می‌تواند نقش مفیدی ایفا کند. هر چند عوامل بسیار متعددی می‌تواند اثرگذاری بر تورم را برشمرد اما در این پژوهش تأثیر جهانی شدن بر تورم با

1. Panel Structural Vector Autoregression
2. Panel Time-Varying Parameter Vector Autoregression
3. Loungani & Swagel



تأکید بر صادرات به کشورهای پردرآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد که نسبت به مطالعات انجام‌شده متمایز است. وجود متغیرهای کنترلی پژوهش حاضر در کنار جهانی‌شدن و صادرات در جهت تأثیرگذاری بر متغیر تورم، فهم جدیدی از موضوع را نشان می‌دهد که در مطالعات داخلی و خارجی بدین گونه تاکنون مدلی تصریح نشده است. همچنین با توجه به تورم بالای چند سال اخیر اقتصاد ایران که شرایط متفاوتی از وضعیت تورمی کشور نسبت به سنوات قبل‌تر را نشان می‌دهد، نیاز به مطالعات جدیدی با داده‌های جدید احساس می‌شود. بر این اساس داده‌های پژوهش حاضر طبق آخرین آمار منتشرشده، گردآوری شده است؛ لذا شکاف موجود بین مطالعات گذشته و شرایط جدید ساختار تورمی اقتصاد کشور، از طریق پژوهش حاضر قابل پر شدن است.

مدل و روش برآورد آن

۱. تصریح مدل تجربی

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به تأثیر متغیرهای مورد بررسی مستقل بر متغیر هدف، یعنی تورم در ایران است؛ به عبارت دیگر، با تأکید بر تأثیر جهانی‌شدن بر تورم، آیا بین صادرات به کشورهای پردرآمد و جهانی‌شدن با تورم ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟ و اگر چنین ارتباطی برقرار است، این ارتباط در چه جهت و با چه شدتی است؟

با توجه به اینکه در ادبیات نظری عوامل و نظریه‌های متعددی فهم شکل‌گیری تورم را تحلیل و اثبات می‌کنند، لذا پژوهش حاضر بیشترین ارتباط را با ادبیات نظری "تورم ساختاری" برقرار می‌کند که عوامل ساختاری دارای نقش بالایی در تورم هستند که تمامی متغیرهای مستقل در اینجا به نوعی متغیرهای ساختاری در ایران هستند که با نظم و انضباط و تحولات سیاست دولت‌ها این ساختارها می‌توانند دستخوش تغییر شوند.

جهت تحلیل بهتر گزارش‌ها، داده‌های پژوهش به صورت لگاریتمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که شامل متغیرهای مستقل "لگاریتم جهانی‌شدن"، "لگاریتم صادرات به کشورهای پردرآمد"، "لگاریتم نرخ ارز"، "لگاریتم پایه پولی" و "لگاریتم بدهی دولت" بوده که به دنبال بررسی تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته یعنی "لگاریتم تورم" هستیم که مدل طبق فرمول (۱) تصریح شده است.

فرم تبعی معادله پژوهش به نحو زیر است:

$$\text{LINF} = f(\text{LGLO}, \text{LNOE}, \text{LEX}, \text{LMB}, \text{LGOD}) \quad (1)$$

متغیرهای معادله (۱) بدین صورت تعریف می‌شوند: LINF = لگاریتم نرخ تورم (نرخ تورم از شاخص کالا و خدمات بانک مرکزی)، LGOD = لگاریتم جهانی‌شدن (شاخص جهانی‌سازی؛ ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و ابعاد سیاسی)، LNOE = لگاریتم صادرات به کشورهای پردرآمد (صادرات کالاها به کشورهای پردرآمد)، LEXR = لگاریتم نرخ ارز (نرخ بازار غیررسمی، از شاخه دلار آمریکا)، LMB = لگاریتم پایه پولی (پایه پولی بر حسب منابع شامل نقدینگی در دست مردم و ذخایر بانک‌ها در بانک مرکزی)، LGOD =

لگاریتم بدهی دولت (از زیرشاخه بدهی‌های خارجی، بدهی‌های میان‌مدت و بلندمدت). آمار و اطلاعات و داده‌های پژوهش از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پایگاه داده بانک جهانی (WDI)^۱ و موسسه اقتصادی سوئیس^۲ استخراج شده است.

بر اساس ادبیات نظری و تجربی موجود، فرضیه پژوهش آن است که متغیرهای نرخ ارز، بدهی دولت و پایه پولی رابطه مستقیمی با تورم دارند و متغیرهای صادرات به کشورهای پردرآمد و جهانی شدن ارتباط معکوسی با تورم دارد.

۲. روش‌شناسی

در این پژوهش جهت بررسی تأثیر متغیرهای جهانی شدن، صادرات کالا به کشورهای پردرآمد، نرخ ارز، بدهی دولت و پایه پولی بر تورم در ایران برای دوره ۱۴۰۰-۱۳۷۲، از روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده (FMOLS)^۳ که به وسیله فیلیپس و هانس^۴ (۱۹۹۰) معرفی گردید، استفاده شده است. از ویژگی‌های آماری این روش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- فوق سازگارند. ۲- به شکل مجانبی بدون تورش‌اند. ۳- به شکل مجانبی توزیع نرمال دارند. ۴- انحراف معیارهای اصلاح شده‌ای را به دست می‌دهد که استنباط‌های آماری دقیق تری را ایجاد می‌نماید. همچنین فیلیپس و هانس (۱۹۹۰) نشان دادند که برآوردهای حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده مانند روش یوهانس^۵ (۱۹۸۸)، در شرایطی که همه متغیرها درون‌زا هستند، به صورت مجانبی کارا است. می‌توان عنوان کرد که به وسیله روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده می‌توان یک برآورد بهینه از بردار هم‌انباشتگی را برآورد نمود. در حقیقت فیلیپس و هانس (۱۹۹۰) روشی را مطرح نمودند که با استفاده از تصحیح شبه پارامتریک، مسائل به وجود آمده از همبستگی از بلندمدت میان معادله هم‌انباشتگی و تغییرات متغیرهای تصادفی را رفع می‌نماید و همچنین این برآوردها به صورت مجانبی ناریب و دارای ترکیب مجانب‌های کاملاً کارا است. مقالات زیادی درباره این روش تدوین شده است که برای مطالعه بیشتر این روش به مقالات زیر مراجعه کنید: کائو چیانگ^۶ (۲۰۰۱)، فیلیپس و هانس (۱۹۹۰)، جوهانسون (۱۹۸۸).

در این پژوهش برای افزایش استحکام در تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج قوی‌تر و دقیق‌تر و همچنین برآوردهای قابل اعتماد برای نمونه‌های کوچک، با توجه به اینکه این مدل به شکل مجانبی بدون تورش بوده و توزیع نرمال دارد و از طرفی مشکل به وجود آمده از همبستگی در بلندمدت میان معادله هم‌انباشتگی و

1. World Development Indicators
2. KOF (Swiss Economic Institute)
3. Fully Modified Ordinary Least Squares
4. Phillips & Hans
5. Johansen
6. Kao & Chiang

تغییرات متغیرهای تصادفی را رفع می‌نماید، روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده (FMOLS) مورد استفاده قرار گرفته است. روند برآورد مدل در شکل (۱) نمایش داده شده است.



شکل ۱. روند برآورد مدل پژوهش

داده‌ها و نتایج تجربی

برای بررسی نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل مورد نظر بر تورم از نرم‌افزار ایویوز ۱۰ استفاده شده است. در ادامه آمار توصیفی، تحلیل مدل و آزمون‌های قبل و بعد از برآورد مدل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. آمار توصیفی متغیرها

جدول (۱) آمار توصیفی و ویژگی‌های متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

LNOE	LMB	LINF	LGOD	LGLO	LEXR	
۳/۸۶	۱۱/۰۷	۲/۹۶	۹/۱۵	۳/۸۰	۹/۶۰	میانگین
۳/۹۹	۱۱/۳۴	۲/۸۹	۹/۰۸	۳/۸۹	۹/۱۴	میانه
۴/۳۷	۱۴/۰۸	۳/۸۹	۹/۸۳	۴/۰۰	۱۲/۴۱	بیشترین
۳/۰۲	۷/۳۳	۲/۱۹	۸/۵۸	۳/۴۳	۷/۴۹	کمترین
۰/۴۶	۲/۱۳	۰/۵۱	۰/۳۷	۰/۲۰	۱/۲۴	انحراف معیار
-۰/۶۷	-۰/۳۶	۰/۳۴	۰/۲۵	-۰/۷۲	۰/۷۶	چولگی

کشیدگی	۲/۹۵	۱/۹۳	۱/۸۳	۱/۹۶	۱/۹۵	۲/۰۰
--------	------	------	------	------	------	------

منبع: یافته‌های پژوهش

۲. مانایی

پیش از برآورد مدل، مانایی متغیرهای طبق جدول (۲) با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته مورد آزمون قرار گرفته‌اند. اگر متغیرها مانا نباشند، رگرسیون کاذب شکل می‌گیرد و تکنیک‌های اقتصادسنجی مفید و قابل اعتبار نبوده و تخمین رگرسیون منجر به برآوردهای تورش‌دار می‌شود (انگل و گرنجر^۱، ۱۹۸۷).

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد (دیکی-فولر تعمیم یافته)

بررسی مانایی متغیرها در سطح

متغیر	مقادیر بحرانی	آماره	نتیجه
LINF	-۲/۹۷	(۰/۰۲) -۳/۳۱	مانا در سطح
LGLO	-۲/۹۸	(۰/۰۷) -۲/۷۵	نامانا در سطح
LNOE	-۲/۹۸	(۰/۹۸) ۰/۵۰	نامانا در سطح
LEXR	-۲/۹۷	(۰/۹۹) ۰/۷۳	نامانا در سطح
LMB	-۲/۹۷	(۰/۵۱) -۱/۵۰	نامانا در سطح
LGOD	-۲/۹۷	(۰/۰۹) -۲/۶۷	نامانا در سطح

بررسی مانایی متغیرها با یکبار تفاضل گیری

متغیر	مقادیر بحرانی	آماره	نتیجه
LGLO	-۲/۹۷	(۰/۰۰) -۴/۳۲	مانا در تفاضل مرتبه اول
LNOE	-۲/۹۸	(۰/۰۰) -۸/۷۷	مانا در تفاضل مرتبه اول
LEXR	-۲/۹۷	(۰/۰۰) -۴/۱۲	مانا در تفاضل مرتبه اول
LMB	-۲/۹۷	(۰/۰۰) -۵/۰۷	مانا در تفاضل مرتبه اول
LGOD	-۲/۹۷	(۰/۰۰) -۵/۸۰	مانا در تفاضل مرتبه اول

اعداد داخل پرانتز سطح احتمال است.

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۲) مشخص شده است، اکثر متغیرهای الگو در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با عرض از مبدأ و در سطح نامانا هستند و فقط یک متغیر (تورم) مانا شده است. بعد از تفاضل‌گیری مرتبه اول سایر متغیرها، مشخص شد همه آن‌ها در این حالت مانا هستند.

۳. آزمون هم‌انباشتنی (هم‌جمعی)

به‌منظور بررسی رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتنی جوهانسن-جوسیلیوس استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. آزمون هانس (آزمون هم‌انباشتنی متغیرها)

اماره LC	احتمال
۱/۱۲۸۳	۰/۰۲۳۵

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که مقدار احتمال این آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ کمتر از پنج صدم است، فرض صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتنی، رد شده و فرض مقابل که رابطه تعادلی بلندمدت میان تورم و متغیرهای توضیحی مدل را تأیید می‌کند، پذیرفته می‌شود.

۴. آزمون‌های تشخیص

برای بررسی هم‌خطی از آزمون VIF^1 استفاده می‌شود و برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون جارک-برا استفاده می‌شود که نتایج در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. بررسی آزمون‌های تشخیص

آزمون VIF جهت بررسی هم‌خطی

متغیر	مرکزی VIF / نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی / رتال جامع علوم انسانی
LEXR	۸/۱۹
LGLO)	۴/۰۳
LGOD)	۱/۶۹
LMB	۱/۹۲
LNOE	۵/۰۶
C	NA

آزمون جاک-برا جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها

جاک-برا

Probability
۰/۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴) آزمون‌های تشخیص آورده شده است که شامل دو آزمون هم‌خطی و نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص (نرمالیتی) است. در آزمون هم‌خطی VIF اگر اعداد بالای ۱۰ باشند نشان‌دهنده هم‌خطی است که در اینجا چون برای همه متغیرها اعداد به‌دست‌آمده زیر ۱۰ است، مشکل هم‌خطی وجود ندارد. همچنین در آزمون نرمالیتی هم چون فرض صفر، نرمال بودن داده‌ها را تأیید می‌کند، لذا چون عدد به‌دست‌آمده بالای ۵ درصد است نرمالیتی داده‌ها تأیید می‌شود.

۵. برآورد مدل

پس از انجام آزمون‌های اولیه که به‌عنوان آزمون‌های اعتبار مدل شناخته می‌شوند، به مرحله برآورد مدل جهت تجزیه و تحلیل اثرگذاری متغیرها رسیده که در ادامه به نتایج برآمده از مدل رگرسیونی FMOLS پرداخته می‌شود.

جدول ۵. نتایج حاصل از تخمین مدل به روش FMOLS

متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال
LGLO	-۳/۱۴	-۶/۱۶	۰/۰۰
LNOE	-۰/۵۰	-۲/۰۹	۰/۰۴
LEXR	۰/۵۰	۴/۲۵	۰/۰۰
LMB	۰/۱۰	۳/۲۹	۰/۰۰
LGOD	۰/۴۳	۲/۴۱	۰/۰۲
C	۶/۸۱	۲/۳۲	۰/۰۲
R-squared	۰/۵۷		

منبع: یافته‌های پژوهش



جدول (۵) نتایج برآورد مدل رگرسیونی با روش FMOLS است که بر این اساس سه متغیر جهانی‌شدن، نرخ ارز و پایه پولی در سطح ۹۹ درصد اطمینان و دو متغیر بدهی دولت و صادرات در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأثیر معنی‌داری بر تورم طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۷۲ در ایران داشته‌اند. در بین متغیرهای مدل، جهانی‌شدن از بالاترین تأثیرگذاری برخوردار بوده است و بعد از آن نرخ ارز، صادرات به کشورهای با درآمد بالا، بدهی دولت و پایه پولی به ترتیب از بیشترین تأثیرگذاری بر تورم برخوردار بوده‌اند. همان‌طور که قبلاً فرضیه‌های پژوهش مطرح شد، افزایش جهانی‌شدن و صادرات باعث کاهش تورم و افزایش نرخ ارز، بدهی دولت و پایه پولی منجر به افزایش تورم شده است که فرضیه‌های پژوهش از این حیث مورد تأیید قرار گرفتند. در ادامه وضعیت هر کدام از متغیرها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جهانی‌شدن: با افزایش ارتباطات سیاسی و اقتصادی با سایر کشورها، از طریق جذب سرمایه‌های خارجی در جهت ایجاد زیرساخت‌ها، واردات کالاهای سرمایه‌ای، افزایش تولید، انتقال تکنولوژی، صادرات و واردات کالاها و در نهایت افزایش رقابت و ارتقاء بهره‌وری، تورم کاهش خواهد یافت. جهانی‌شدن در این پژوهش از منظر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت که طبق جدول (۵) با افزایش یک درصدی در این بازگشایی‌ها و حرکت به سمت جهانی‌شدن، تورم به میزان ۳/۱۴ کاهش خواهد یافت که این مهم باعث ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی مردم خواهد شد. جهانی‌شدن به عنوان یک متغیر اساسی در پژوهش شرایط رشد عرضه و تولید را فراهم می‌کند که این خود کاهش قیمت‌ها را در پی دارد، لذا جهانی‌شدن می‌تواند عاملی برای کاهش تورم باشد. نتیجه به‌دست‌آمده در راستای تأیید پژوهش‌های گائو و همکاران (۲۰۲۴)، محمد اسماعیل و همکاران (۱۴۰۱)، محمودی (۱۳۹۸)، دلیری (۱۳۹۹)، قوش (۲۰۱۴) است که جهانی‌شدن را باعث کاهش تورم می‌دانند و مخالف نتیجه به‌دست‌آمده از پژوهش ایزدخواست و همکاران (۱۴۰۱) است.

صادرات به کشورهای با درآمد بالا: بر اساس نتایج جدول (۵)، افزایش یک درصدی در صادرات کالا به کشورهای با درآمد بالا، تورم ۰/۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. افزایش صادرات کالا نتیجه موفقیت کشور در رقابت بین‌المللی است که آن خود نتیجه افزایش بهره‌وری در خصوص تولید این کالا و خدمات می‌تواند باشد. معمولاً زمانی که کشورهای با درآمد بالا واردکننده از کشور مبدأ (ایران) باشند، بدان معناست که نوع کالا و خدمات، متفاوت از کالاهای ضروری بوده که این مهم توان رقابتی بالا از طریق هزینه‌های نسبی پایین‌تر این محصولات را نشان می‌دهد؛ لذا قیمت نسبی پایین‌تر این محصولات در داخل عاملی برای عدم واردات آن‌ها و عدم انتقال تورم خارجی آن‌ها به داخل کشور و همچنین صرفه‌جویی در ارز وارداتی

خواهد شد که این مهم، خود تأثیرگذار بر کاهش تورم می‌تواند باشد. یکی دیگر از مسیرهای کاهش تورم با افزایش صادرات، بهبود تراز تجاری و افزایش ارزآوری کشور بوده است که فشار تقاضای ارز در داخل را کاهش می‌دهد که به تبع آن با عرضه بالای ارز در داخل، قیمت آن کاهش یافته که هزینه‌های تولید با واردات کالاهای سرمایه‌ای با قیمت پایین‌تر رقم می‌خورد که از این کانال نیز باز تورم به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

نرخ ارز: افزایش یک درصدی نرخ ارز طبق جدول (۵) نرخ تورم را ۰/۵۰ درصد افزایش داده است. افزایش نرخ ارز از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تورم است؛ هرچند افزایش‌های مستمر و یا شوک‌های نرخ ارز باعث می‌شود مردم در جهت حفظ قدرت خرید و گاه دلالتی‌های غیر مولد تقاضای بیشتر برای ارز داشته باشند که با تشنج در بازارها، قیمت نهایی کالاها افزایش می‌یابد و این رفتار احساسی باعث رشد انتظارات تورمی بیشتر خواهد شد که یک مارپیچ تورمی صعودی می‌تواند شکل بگیرد. نتایج حادث شده از رابطه مستقیم نرخ ارز و تورم در جدول (۵) با پژوهش‌های گائو و همکاران (۲۰۲۴)، ویبو و ستیواتی (۲۰۲۳)، آسایش و همکاران (۱۴۰۲) و حسینی یزدی و همکاران (۱۳۸۴) همخوانی دارد و مخالف نتایج به دست آمده از پژوهش‌های محمد اسماعیل و همکاران (۱۴۰۱) و لونگانی و سواگل (۲۰۰۱) است.

پایه پولی: افزایش یک درصدی پایه پولی که از ترکیب نقدینگی‌های در دست مردم و ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی شکل می‌گیرد، باعث افزایش ۰/۱۰ درصدی در تورم می‌شود. افزایش پایه پولی و نقدینگی در دست مردم تقاضا را در جامعه بالا می‌برد که عدم تطبیق عرضه با تقاضا در کوتاه‌مدت باعث صعودی شدن روند قیمت‌ها خواهد شد. همچنین مردم وقتی متوجه سیاست‌های بانک مرکزی در جهت افزایش پایه پولی می‌شوند، انتظارات تورمی در آن‌ها تقویت شده که خود باعث افزایش تورم می‌شود. حال اگر این افزایش پایه پولی بدون جذب منابع در سرمایه‌گذاری‌های جدید و عدم رشد تولید در کشور باشد، شرایط کاهش ارزش پول ملی تقویت می‌شود که مسیر جدیدی برای افزایش تورم باز خواهد شد. نتیجه رابطه مستقیم رشد پایه پولی و تورم طبق جدول (۵) با نتایج پژوهش‌های آسایش و همکاران (۱۴۰۲)، ایزدخواست و همکاران (۱۴۰۱)، عظیم زاده و همکاران (۱۴۰۱)، مهرآرا و قبادزاده (۱۳۹۵) و حسینی یزدی و همکاران (۱۳۸۴) هماهنگ و در یک راستا است.

بدهی دولت: در ایران معمولاً دولت از طریق فشار بر بانک مرکزی و چاپ پول و به تبع آن رشد پایه پولی نیازهای مالی خود را تأمین می‌کند که جهت تسویه بدهی‌ها و هزینه‌های خود بارها اقدام به چنین کاری کرده است. اگر با یک نگاه خوش‌بینانه موضوع را بررسی کرد که سیاست‌های مالی

انبساطی دولت در جهت هزینه‌های عمرانی و زیرساختی شکل گرفته است، باز این هزینه‌ها از طرق مختلف می‌تواند دولت را بدهکار کند که در کل این عامل مسیر تقاضای کل را افزایش و در صورت ثبات عرضه، فشار تورمی را شکل می‌دهد. دولت با ایجاد بدهی برای خود مسیرهای زیادی برای تسویه آن‌ها می‌تواند طی کند که یکی از آن‌ها افزایش مالیات‌ها است که با این سیاست انضباط مالی باز شرایط تورمی بر اقتصاد کشور حاکم خواهد شد. همچنین دولت در جهت کاهش بدهی‌های خود گاهی مجبور به فروش اوراق قرضه با سود بالاتر از سود بانکی و بازار شده که این امر باعث ورشکستگی و خروج سرمایه‌گذاران از بازار و کاهش تولید می‌شود که با وجود تقاضای موجود و کاهش عرضه، قیمت‌ها در جهت افزایش دستخوش تغییر خواهند شد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تورم یکی از مهم‌ترین مسائل کشور در هر دوره زمانی بوده که همواره توجه سیاست‌گذاران و عاملان اقتصادی را به خود جلب کرده که در پی راه‌حلی برای برون‌رفت از چالش‌های آن بوده‌اند. لذا با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش، برای تحلیل و بررسی تأثیر برخی از متغیرهای کلیدی اقتصادی بر تورم از مدل حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل شده برای دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۲ در ایران استفاده شد که در همین راستا از داده‌ها و آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک جهانی بهره گرفته شده است.

بررسی‌های پژوهش نشان از آن دارد که از پنج متغیر مستقل، سه متغیر تأثیر مثبت و دو متغیر تأثیر منفی بر تورم در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشته‌اند. متغیر جهانی شدن به‌عنوان کلیدی‌ترین متغیر مستقل دارای اثر معنادار و منفی بر تورم است که در بین متغیرها از بیشترین تأثیرگذاری نیز برخوردار بوده است که در تأیید این نتیجه، نظریه رشد نشان داده است که با باز بودن مرزها جهت تجارت، کارایی در تولید افزایش می‌یابد، تخصیص بهینه منابع شکل می‌گیرد، بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌ها به وجود می‌آید و به‌کارگیری سرمایه‌گذاری‌های خارجی رشد پیدا می‌کند که این عوامل خود باعث کاهش نرخ تورم می‌شوند (جین^۱، ۲۰۰۰). صادرات به کشورهای پردرآمد به‌عنوان متغیر مستقل دیگر دارای تأثیر معنادار و منفی بر تورم است به‌گونه‌ای که با تأکید بر صادرات به کشورهای پردرآمد و تأکید بر اقتصاد غیرنفتی از مسیرهای مختلف، افزایش بهره‌وری و تجارت بین‌المللی و افزایش توان رقابتی و افزایش ارزآوری برای کشور، شرایط کاهش هزینه‌های تولید داخلی فراهم شده که این مهم کاهش تورم را در پی داشته است. متغیر مستقل

دیگر نرخ ارز است که دارای تأثیر معنادار و مثبت بر تورم است که در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی این نتیجه به‌دست‌آمده است؛ لذا کنترل تکانه‌های نرخ ارز باید به‌عنوان یک سیاست تثبیتی مانع از تأثیرپذیری‌های تورم از این حیث باشد. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر تورم، بدهی دولت است که افزایش آن دارای تأثیر معنادار و مثبتی بر تورم است، به‌گونه‌ای که تأمین بودجه دولت از طریق بانک مرکزی منجر به بالا رفتن بدهی دولت و بالا رفتن حجم نقدینگی خواهد شد که سیکل افزایش تورم را به همراه خواهد داشت؛ هرچند افزایش مالیات‌ها و سیاست‌های بازار باز می‌توانند در جهت تأمین منابع برای بدهی‌های دولت مورد استفاده قرار گیرند که البته هر کدام شرایط تورمی اقتصاد را شکل خواهند داد. نهایتاً برآورد مدل رگرسیونی نشان‌دهنده ارتباط مستقیم متغیر پایه پولی با تورم بوده است که رشد پایه پولی از طریق سیاست‌های پولی و خلق پول توسط بانک مرکزی و بانک‌های تجاری می‌تواند شکل بگیرد که اگر با رشد تولید همراه نباشد، به‌عنوان مؤلفه کلیدی در رشد تورم ایفای نقش می‌کند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده توجه به چند پیشنهاد سیاستی ارائه‌شده ضروری به نظر می‌رسد. ضمن آنکه عوامل مختلفی می‌توانند بر تورم تأثیرگذار باشند که پژوهش حاضر پنج متغیر را با توجه به درجه اهمیت بالاتر مورد بررسی قرار داده است، می‌تواند سیاست‌گذاران با برنامه‌ریزی‌ها و دیپلماسی مقتدرانه سیاسی و اعمال شرایط اقتصاد باز و حرکت به سمت برطرف نمودن تحریم‌ها در کشور حرکت مؤثرتری داشته باشند که شرایط را برای مبادلات تجاری تسهیل کنند. تجارت جهانی هم کارآمدی و هم رقابت را تسهیل می‌کند که می‌تواند مانع اثرگذاری بالای تکانه‌ها و شوک‌های ارزی در کشور شود که این متغیر به‌صورت همبسته با متغیر جهانی شدن تأثیر بسزایی در کنترل تورم داخلی خواهند داشت. در این راستا تدوین برنامه‌های اقتصادی ۵ ساله و بلندمدت کشور با نیازسنجی کشورهای همسایه و منطقه برای کالاها و خدمات، از عوامل کلیدی برای چشم‌انداز توسعه و تأثیرپذیری شاخص‌های داخلی کشور از جمله تورم است که با برنامه‌های عملیاتی میان‌مدت در جهت ایجاد زیرساخت‌های تولیدی کالاها و خدمات غیرنفتی در کشور، امیدواری به اقتصاد آینده بیشتر خواهد شد. در کنار این عوامل جهت کنترل تورم، انضباط پولی و مالی بانک مرکزی و دولت در جهت کنترل نقدینگی و پایه پولی به‌عنوان رقیب تولید در کشور، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با استقلال بانک مرکزی به‌عنوان یک سیاست بنیادی در اقتصاد، با هدف اثرگذاری بیشتر سیاست‌های تثبیت و حرکت در مسیر مدل‌ها و تئوری‌های جهانی اقتصادی شرایط کنترل شاخص‌های اقتصادی از جمله تورم راحت‌تر خواهد شد که از این طریق شرایط شکل‌گیری اعتماد جامعه مدنی به سیاست‌های سیاست‌گذاران اقتصادی بیشتر شده و اجرای این سیاست‌ها با همراهی مردم نتیجه بهتر و موفق‌تری خواهد داد.



سیاسگزاری

از تمامی کسانی که به هر نحوی در تدوین این مقاله کمک کرده‌اند صمیمانه تشکر می‌کنیم.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله هیچ گونه حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: همه نویسندگان در تدوین مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.



منابع

- آسایش، حمید؛ مصطفی پور، یلدا و شمس اللهی، رضا. (۱۴۰۲). تاثیر عوامل موثر بر تورم در اقتصاد ایران با تاکید بر همه گیری کووید ۱۹. *فصلنامه سیاست ها و تحقیقات اقتصادی*، ۲(۱)، ۹۵-۱۲۱.
- بابایی، مجید؛ توکلیمان، حسین و شاکری، عباس. (۱۳۹۷). پیش بینی نحوه اثرگذاری عوامل موثر بر تورم با استفاده از مدل های میانگین گیری پویا. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۸(۷۱)، ۲۶۱-۳۱۱.
- حسینی یزدی، صفیه؛ عماد زاده، مصطفی و سامتی، مرتضی. (۱۳۸۴). تعیین عوامل موثر در ایجاد تورم پولی و چگونگی مهار آن در ایران طی دوره ی (۱۳۸۲-۱۳۳۸). *فصلنامه بررسی های اقتصادی*، ۲(۲)، ۶۳-۸۰.
- دلیری، حسن. (۱۳۹۹). باز بودن تجاری و نرخ تورم: مطالعه کشورهای منتخب با استفاده از رگرسیون های داده های تابلویی چندکی. *فصلنامه اقتصاد و الگو سازی*، ۱۱(۳)، ۱۵۰-۱۲۳.
- سامانی پور، حسن؛ ابونوری، اسمعیل و نادمی، یونس. (۱۳۹۵). تورم و اندازه دولت در ایران: رویکرد رگرسیون آستانه ای. *پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۶(۴)، ۱۰۷-۱۲۵.
- سهیلی، کیومرث؛ الماسی، مجتبی و سقایی، مریم. (۱۳۹۱). ارزیابی اثر تورم انتظاری، رشد نقدینگی، تورم وارداتی، شکاف تولید و نرخ ارز بر نرخ تورم در ایران. *پژوهشنامه ی اقتصاد کلان*، ۷(۱۳)، ۳۹-۶۰.
- صادقی، سیدکمال؛ شیبائی، امینه و فشاری، مجید. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر تورم با تاکید بر اندازه دولت. *فصلنامه مدل سازی اقتصادی*، ۴(۱)، ۷۳-۹۱.
- طیسی، سید کمال و مصری نژاد، شیرین. (۱۳۸۱). بررسی رابطه تاملی کوتاه مدت و بلندمدت تورم و عرضه صادرات غیر نفتی در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۶۱، ۱-۲۳.
- عظیم زاده، مهدی؛ فتاحی، شهرام و فلاحتی، علی. (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر تورم در ایران با رویکرد ARDL. *سومین کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، چابهار*.
- محمد اسماعیل، مرجان؛ معبودی، رضا و خرسند، محمد. (۱۴۰۱). عوامل موثر بر نرخ تورم در کشورهای منتخب در حال توسعه با رویکرد TVP. *فصلنامه اقتصاد محاسباتی*، ۱(۴)، ۹۹-۱۲۸.

میرنظامی، نفیسه سادات و شاه آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). اثر متقابل جهانی شدن و حکمرانی خوب و مولفه های دانش بر توانمندسازی زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
 مهرآرا، محسن و قبادزاده، رضا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر تورم در ایران مبتنی بر رویکرد میانگین گیری بیزینی (BMA) و میانگین گیری حداقل مربعات (WALS). فصلنامه علمی پژوهشی، ۲۱(۱)، ۸۲-۵۷.
 محمودی، الهه. (۱۳۹۸). جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر تورم در کشورهای در حال توسعه آسیایی. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۷(۱)، ۶۵-۴۶.

References

- Adusei, M. (2013). Is inflation in South Africa a structural or monetary phenomenon? *British Journal of Economics, Management & Trade*, 3(1), 60-72.
- Altunöz, U. (2020). Pass-through effects of exchange rate on inflation: The case of Turkey. *Journal of Ekonomi*, 2(2), 71-75.
- Asayesh, H; Mostfapour, Y; & Shamsollahi, R. (2023). Investigating the impact of various factors on inflation in Iran with an emphasis on the Covid-19 pandemic. *Journal of Economic Policies and Research*, 2(1), 95-121. (In Persian).
- Auer, R; Borio, C. E; & Filardo, A. J. (2017). The globalisation of inflation: the growing importance of global value chains. BIS Working Papers, No 602, Bank for International Settlements.
- Azimizadeh, M; Fatahi, Sh; & Falahati, A. (2022). Investigation of factors affecting inflation in Iran using ARDL approach. The third international conference on new challenges and solutions in industrial engineering, management and accounting, Chabahar, Iran. (In Persian).
- Babaie, M; Tavakolian, H; & Shakeri, A. (2018). Determinants of Inflation Forecast: A Dynamic Model Averaging Approach. *Economics Research*, 18(71), 261-311. (In Persian).
- Bayır, M; & Orak, Ç. (2023). Globalization and Inflation. *Hacettepe Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, 41(1), 1-20.
- Daliri, H. (2020). Openness and Inflation Rate: The Study of Selected Countries using Panel Quantile Regressions. *Journal of Economics and Modelling*, 11(3), 123-150. (In Persian).



Engle, R. F; & Granger, C. W. (1987). Co-integration and error correction: representation, estimation, and testing. *Econometrica: journal of the Econometric Society*, 251-276.

Gao, L; Abbas, S. K; & Lan, H. (2024). Globalization and inflation dynamics: evidence from emerging economies. *Applied Economics*, 56(42), 5072-5089.

Ghosh, A. (2014). How do openness and exchange-rate regimes affect inflation?. *International Review of Economics & Finance*, 34, 190-202.

Hosseini yazdi, S; Emadzdeh, M; & Sameti, M. (2005). Determinating the Effective factors in reduction of monetary inflation and its control in Iran during the period 1959-2003. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 2(2), 63-79. (In Persian).

Izadkhasti, H; Negintaji, Z; & Najafi, M. (2022). Investigating the factors affecting on inflation with emphasis on knowledge-based economy in oil exporting countries. *Stable Economy Journal*, 3(3), 50-71. (In Persian).

Jin, J. C. (2000). Openness and growth: an interpretation of empirical evidence from East Asian countries. *Journal of International Trade & Economic Development*, 9(1), 5-17.

Johansen, S. (1988). Statistical analysis of cointegration vectors. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 12(2-3), 231-254.

Kao, C; & Chiang, M. H. (2001). On the estimation and inference of a cointegrated regression in panel data. In *Nonstationary panels, panel cointegration, and dynamic panels* (pp. 179-222). Emerald Group Publishing Limited.

Loungani, P; & Swagel, P. (2001). Sources of inflation in developing countries. IMF Working Paper, wp/01198/.

Mahmoodi, E. (2019). Economic globalization and its effect on inflation in Asian developing countries. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7(25), 46-65. (In Persian).

Manopimoke, P. (2018). Thai inflation dynamics in a globalized economy. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 23(3), 465-495.

Mehrara, M; & Ghobadzadeh, R. (2016). The Determinants of Inflation in Iran Based on: Bayesian Model Averaging (BA) and Weighted-Average Least Squares (WALS). *The Journal of Planning and Budgeting*, 21(1), 57-82. (In Persian).

Mirnezami, N; & Shahabadi, A. (2019). The mutual effect of globalization and good governance and knowledge components on women's empowerment, Master's Thesis, Alzahra University. (In Persian).

Mohammad Esmail, M; Maboudi, R; & Khorsand, M. (2022). Factors affecting the inflation rate in selected developing countries with the TVP-VAR approach. *Computational Economics Quarterly*, 1(4), 99-128. (In Persian).

Ogbonna, B. C. (2014). Inflation dynamics and government size in Nigeria. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 2(12), 1-22.

Olubusoye, O. E; & Ogbonna, A. E. (2014). Modelling inflation process in Nigeria using bayesian model averaging. In *Conference: Second Bayesian Young Statisticians Meeting (BAYSM 2014), At Vienna* (pp. 18-19).

Phillips, P. C. B; & Hansen, B. E. (1990). Statistical inference in instrumental variables regression with I (1) processes. *Review of Economics Studies*, 57 (1), 99-125.

Pourkazemi, M. H; Biravand, A; & Delfan, M. (2016). Designing a warning system for hyperinflation for Iran's economy. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 23(76), 145-166. (In Persian).

Ramallari, A; & Merko, F. (2023). The relationship between inflation and gross domestic product: Albania case. *Corporate Law & Governance Review*, 5(1), 83-91.

Ridwan, M. (2022). Determinants of Inflation: Monetary and Macroeconomic Perspectives. *KINERJA: Jurnal Manajemen Organisasi dan Industri*, 1(1), 1-10.

Sadeghi, S. K; Shinaei, A; & Feshari, M. (2010). The study of inflation main determinants by emphasizing on government size. *Economic Modelling*, 4(1), 73-91. (In Persian).

Samanipour, H; Abounoori, E; & Nademi, Y. (2016). Inflation and Government Size in Iran: Threshold Regression Approach. *The Economic Research*, 16(4), 107-125. (In Persian).

Sohaili, K; Almasi, M; & Saqaei, M. (2011). Evaluating the effect of expected inflation, liquidity growth, import inflation, production gap and exchange rate on the inflation rate in Iran. *Journal of Macroeconomics (Journal of Economic Sciences)*, 7(13), 36-60. (In Persian).

Tayebi, S. K; & Mesrinezhad, S. H. (2003). An Investigation of short-run and long-run reactions between inflation and supply of non-oil exports in Iran. *Economic Research*, 61, 1-23. (In Persian).

Taylor, J. B; & Woodford, M. (Eds.). (1999). *Handbook of macroeconomics*. Elsevier.

Wibowo, B. P; & Setyowati, E. (2023, February). Analysis of Factors Affecting Interest Rates, Money Supply, Exchange Rates, Government Expenditures,

Government Revenues, and Tax Revenues on Inflation 1992-2022. In *Proceeding Medan International Conference on Economic and Business* (Vol. 1, pp. 1852-1862).

Yanescha, N. Y. P. (2022). Analysis of factors affecting inflation in Indonesia 2015-2020. *Research Horizon*, 2(2), 330-344.

Yılmaz, H. A. (2024). The Asymmetric Impacts of Economic, Social, and Political Globalization on Inflation. *Journal of Economic Policy Researches*, 11(1), 63-74.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

